

## تعامل یا هم‌گرایی: راهبرد مقابله با جامعه‌پذیری دینی - فرهنگی اقلیت‌های شیعی در آمریکا

محمدرضا حضوربخش<sup>۱</sup>

### چکیده

همان‌طور که از عنوان مقاله هویدا است، بحث از جامعه‌پذیری دینی - فرهنگی یک موضوع جامعه‌شناسانه است که به جریان‌شناسی فرآیندی در آمریکا می‌پردازد که در قبال اقلیت شیعی در طول سال‌های اقامت آنها انجام پذیرفته است. جهت‌گیری سیاسی در آمریکا در برابر شیعیان، در وهله اول، مبتنی بر «انزواسازی» و «طردشدگی» قرار گرفت. اما بعد از چندی، این سیاست جای خود را به «انحلال و ادغام» مسلمانان، از جمله شیعیان داد؛ سیاست‌های اجتماعی که از طریق جامعه‌پذیری دینی - فرهنگی انجام می‌پذیرد.

پرسش اساسی اینجاست که پادگفتمان تئوری ادغام چیست و چگونه جامعه شیعیان آمریکا می‌تواند به یک جامعه خودبنیاد تبدیل شود که به‌صورت خودآگاه در صدد حفظ هویت شیعی خود برآید؟

در این مقاله، نویسنده با بهره‌گیری از تجربه میدانی در آمریکای شمالی و استفاده از مصاحبه انبوه و مطالعه منابع کتابخانه‌ای، به واکاوی سرگذشت شیعیان در آمریکا می‌پردازد. همچنین راهبردی به نام «هم‌گرایی» را نیز به‌عنوان دستورالعمل مواجهه با سیاست‌های اجتماعی دولت آمریکا در برابر شیعیان برمی‌شمارد که بر اساس پنج مزیت «متوسط پایین سنی»، «میزان ازدواج»، «نرخ باروری»، «سطح تحصیلات» و «ارتباطات خانوادگی» کاملاً انضمامی و تحقق‌یافتنی خواهد بود.

**کلیدواژگان:** جامعه‌پذیری دینی، جامعه‌پذیری فرهنگی، شیعه، اقلیت، آمریکا.

---

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی دانشگاه قم، پژوهشگر میز اروپا و آمریکای گروه مطالعات منطقه‌ای مجمع

## مقدمه

جوامع غربی به دو دلیل عمده، بیشترین تعداد مهاجر را در خود جای داده‌اند: نخست اینکه برخی از این کشورها همچون آمریکا و کانادا از همان ابتدا با مهاجرت گروه‌های پروتستانی از اروپا و به طور خاص از نژاد انگلوساکسون و بعد با تجاوز و حمله استعماری و قتل عام بومیان منطقه شکل گرفت. دوم اینکه برخی نیز مانند هلند، فنلاند، جمهوری چک، لهستان و آلمان، به دلیل فزونی متوسط سنی جمعیت ساکن در کشور و نبود نیروی انسانی، سیاست مهاجرپذیری را اتخاذ کردند.<sup>۱</sup>

اساساً مهاجرت به دلایل مختلفی همچون عدم سازگاری با محیط جدید، سطح پایین مهاجران، عدم آشنایی با زبان مقصد و الزام بر ارائه خدمات اجتماعی از سوی بسیاری از کشورها به‌عنوان یک ناهنجار و امر نامطلوب به حساب می‌آید. به‌علاوه، اگرچه آمریکا تلاش کرد تا در مقطعی مهاجرت را به‌صورت گزینشی از کشورهای دلخواه جهت‌دهی کند، اما به‌طورکلی، مهاجران از کشورهای مختلف با فرهنگ‌ها، آداب و رسوم، زبان و باورهای دینی متنوع به سمت غرب سرازیر شدند.

طبیعی است که کشور مقصد باید سیاست‌هایی را برای حفظ انسجام و ثبات خود اعمال کند که در بسیاری از کشورها از جمله آمریکا، سیاست ادغام یا همان «دیگ جوشان» مهم‌ترین برنامه اجرایی دولت برای رسیدن به این مقصود بود.

درعین‌حال، نباید از کثرت و تنوع مهاجران غافل شد. مهاجرانی که از اروپا و یا سایر کشورهای مسیحی وارد آمریکا شدند، کار آسوده‌تری برای هماهنگی با جامعه جدید در مقایسه با مسلمانان داشتند؛ چرا که مسلمانان به دلیل رنگ پوست، زبان، احساس حقارت و خودکم‌بینی، و در نهایت باور به اسلام، فاصله زیادی از جامعه یک‌دست مسیحی و ای بسا ضداسلامی مانند آمریکا داشتند.

شیعیان در آمریکا در فرآیند پذیرش هنجارهای ارزشی و دینی (جامعه‌پذیری

---

1. [https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php?title=Population\\_structure\\_and\\_ageing](https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php?title=Population_structure_and_ageing).

دینی) با مشکلات عدیده هویتی و سردرگمی شخصیتی و اعتقادی عمیقی مواجه شدند؛ البته بسیاری از آنها نیز هویت جدیدی برای خود در نظر گرفته تا هم‌نواختی بهتری با آمریکا به دست بیاورند و در نتیجه از مزایای بیشتری برخوردار گردند.

### جامعه‌پذیری یا تعامل؟

مطالعه تجربه زیستی اقلیت‌های دینی در آمریکا مانند «یهودیان» و «کاتولیک‌ها» به ما نشان می‌دهد که می‌توان رابطه دوسویه‌ای میان «اقلیت» و «جامعه» سامان داد که پیامد آن فراهم‌سازی زمینه تعامل میان این دو خواهد بود. به دیگر سخن، در فرآیند تعامل نه تنها جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد، بلکه جامعه به‌عنوان یک کلّ از هنجارهای برخاسته از اقلیت تأثیر می‌پذیرد. تحقق این معنا در مورد شیعیان بدین معناست که چگونه جامعه آمریکا، بینش و جهان‌بینی شیعی را به رسمیت بشناسد و لوازم آن را برای شهروندان خود بپذیرد و هر شیعه را به‌عنوان یک شهروند اصیل تلقی کند.

در مباحث پیش رو در این بخش، نخست، الگوی جامعه‌پذیری شیعیان در آمریکا مد نظر قرار خواهد گرفت که در نوشتار حاضر به دو نوع تقسیم شده و نوع اول آن به‌عنوان یک پدیده منفی و به عبارت بهتر یک آسیب تلقی می‌گردد. در گام بعدی، راهبردهای تعامل (جامعه‌پذیری نوع دوم) شیعیان با جامعه آمریکا در عین حفظ هویت دینی و خودبنیادی این اقلیت بر اساس ظرفیت‌های موجود، به سمع و نظر خوانندگان محترم خواهد رسید.

### چارچوب مفهومی

جامعه‌پذیری (socialization) به معنای فرآیند نهادینه‌سازی هنجارها و ایدئولوژی‌های یک جامعه است. جامعه‌پذیری شامل یادگیری و آموزش می‌شود؛ بنابراین، ابزاری است که به وسیله آن پیوستگی اجتماعی و فرهنگی میسر می‌شود.<sup>۱</sup> جامعه‌پذیری اصطلاحی است که در جامعه‌شناسی به کار گرفته می‌شود و به‌نوعی آن

---

1. Talcott Parsons and Robert F. Bales, "Family, Socialization and Interaction process", Free Press, 1995, p 17.

روی سگه‌ای است که در روان‌شناسی با عنوان «درونی‌سازی»<sup>۱</sup> به آن پرداخته می‌شود. «جامعه‌پذیری دینی» در اصطلاح به معنای تأثیر عوامل اجتماعی بر عقاید و فهم دینی اشخاص است و از موضوعاتی است که در «جامعه‌شناسی دین» مطرح می‌شود. به تعبیر دیگر، جامعه‌پذیری دینی فرآیندی است که یک شخص از طریق آن، باورها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای دینی را می‌آموزد و آنها را نهادینه می‌سازد. جامعه‌پذیری دینی، به مثابه مسیر یک طرفه‌ای از سوی جامعه به‌عنوان «تأثیرگذار»، به سمت فرد به‌عنوان «تأثیرپذیر» قابل ترسیم است.

درعین حال، نکات قابل توجهی در میان است که باید به آنها اشاره شود:

۱. واژه «اقلیت» یک مفهوم شناخته‌شده و پرکاربرد در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی و مطالعات فرهنگی است. اقلیت‌ها گونه‌های مختلفی دارند و زمانی که سخن از شیعیان به میان می‌آید، طبیعتاً این گروه به مثابه یک اقلیت دینی در نظر گرفته می‌شود که با فرصت، تهدید، قوت و ضعف‌های زیادی آمیخته است. گاهی میان یک اقلیت و جامعه، هم‌نواختی و سازگاری به‌صورت پیشینی وجود دارد و گاهی باید برای رسیدن به هماهنگی، به سیاست‌ها و راهبردهای جدیدی دست زد؛ که مسئله حضور شیعیان در آمریکا نیز به نظر می‌رسد از جمله مثال‌های میدانی گروه دوم باشد. بنا بر این پیش‌فرض، جامعه‌پذیری دوسویه و متضادی در جریان است:

یک. جامعه‌پذیری نوع اول: سیاست‌هایی که برای جامعه‌پذیری این گروه به‌عنوان شهروند آمریکایی وضع شده‌اند؛ دو. جامعه‌پذیری نوع دوم: سیاست‌هایی که درون جوامع برای پاسبانی از شیعه‌گری طراحی می‌شوند.

در چنین وضعیتی، سیاست‌های اقلیت مورد نظر باید توانایی مقابله با سیاست‌های آمریکا مبنی بر ادغام آنها را داشته باشد.

۲. جامعه تأثیرگذار (در مورد اقلیت‌ها) الزاما جامعه بزرگی که در آن زندگی می‌کنند، نیست؛ بلکه در موارد بسیاری تجربه میدانی ثابت کرده است که جامعه کوچک‌تر باعث شده تا هنجارها و باورهای آن افراد (به‌عنوان اعضای آن گروه) می‌پذیرند، در تعارض با باورها، ارزش‌ها و رفتارهای دینی جامعه بزرگ‌تر تلقی شوند.

در نمونه‌ای که ما به دنبال تبیین آن هستیم، جامعه شیعیان به‌عنوان یک اقلیت دینی در جامعه بزرگ‌تر (پروتستان‌های آمریکا) به حساب می‌آید. اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود و به‌نوعی همان‌طور که ساشادینا ذکر می‌کند، شیعیان جامعه آمریکا «اقلیت در اقلیت» هستند؛ چرا که شیعیان میان مسلمانانی در اقلیت هستند که خود نیز در جامعه آمریکا به‌عنوان یک اقلیت دینی به شمار می‌روند.

آن دسته از شیعیانی که از هویت دینی خود پاسداری کرده‌اند، در مقایسه با سایر مهاجران که تعهد دینی خاصی از آنها مشاهده نمی‌شود، با مشکل دوچندانی مواجه هستند؛ چرا که هیچ‌یک از شیعیان، خود را از اهل سنت نمی‌دانند. علی‌رغم تنوع آرا در نحوه ارتباط‌گیری با اکثریت جامعه مسلمانان، اما همه نحله‌های شیعی بر این تمایز توافق دارند. در واقع، حتی شیعیانی که وحدت‌گرا هستند، با حفظ اختلافات عقیدتی و رفتاری، خود را از جامعه بزرگ مسلمانان می‌دانند؛ نه اینکه وحدت را به معنای یگانه‌سازی شیعه و اهل سنت در نظر بگیرند.

با توجه به این نکات، خواننده گرامی درخواهد یافت که ترسیم الگوی جامعه-پذیری دینی به‌خصوص هنگامی که مخاطبان آن در جامعه دیگری زندگی می‌کنند، چالش‌های خاص خود را دارد؛ چرا که برای مثال، شیعیان آمریکا از یک‌سو باید باورها و ارزش‌های دینی جامعه پروتستانی آمریکا را نهادینه سازند و از سوی دیگر نیز، خود را با هنجارهای اکثریت اهل سنت وفق دهند. آیا چنین فرآیندی اساسا امکان وقوع دارد؟ رسیدن به پاسخ عملیاتی برای این معضل هنگامی دست‌نیافتنی‌تر می‌نماید که میان این دو مجموعه از هنجارهای دینی (پروتستانی-آمریکایی و اسلامی-

سنی) هماهنگی وجود ندارد، اگر نگوئیم که آنها نیز در تعارض با یکدیگر هستند! بنابراین چه باید کرد؟ جستجوهای میدانی نشان داده است که برخی از خانواده‌های شیعی، به طور مستقیم در حال ارتباط‌گیری با جامعه آمریکا هستند و گویی این نقشه راه برای آنها مسیر هموارتری را رقم می‌زند. البته این به معنای کناره‌گیری از جامعه مسلمانان نیست؛ اما در یک اولویت‌بندی، تمرکز عملی خود را به همراهی با سیاست‌های اجتماعی ایالات متحده معطوف کرده‌اند. برخی دیگر نیز، در نقطه مقابل تلاش کرده‌اند تا با اهل سنت ارتباط دوستانه‌تری را شکل دهند و حتی در مساجد و جلسات آنها حاضر شوند تا خود را به‌عنوان یکی از اعضای آن جامعه بزرگ‌تر معرفی کنند.

البته دوگانه حاضر در همه شیعیان یکسان نیست و گاهی مرزهای چنین تمایزاتی کاملاً در هم می‌شکند و افراد یا با هر دو گروه و در مواردی با هیچ‌یک ارتباط برقرار نمی‌کنند. گاهی آنها را در طول همدیگر می‌بینند و گاهی در عرض یکدیگر تلقی می‌کنند. در چنین وضعیتی، ترسیم الگوی رفتاری شیعیان در جامعه‌پذیری دینی و در رابطه با دو گروه از پیش گفته‌شده، پروژه تحقیقاتی خاص خود را می‌طلبد که در نهایت نیز، معلوم نیست نتیجه ملموسی در پی داشته باشد.

### عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری دینی

نکته درخور توجه این است که در هر نوع جامعه‌پذیری، عوامل اجتماعی (Social Agents) مؤثر در شکل‌گیری هویت و شخصیت دینی اشخاص متنوع هستند که اکثر جامعه‌شناسان «پدر و مادر»، «خانواده»، «مدرسه»، «گروه هم‌سن»، «محیط زندگی» و... را مورد بررسی قرار داده و میزان تأثیر هر یک را ارزیابی می‌کنند. بنابراین، هر یک از این عوامل، در یک روش توصیفی و غیرجانبدارانه، حالتی تأثیرگذار دارند. از آنجایی که تعداد قابل توجهی از اقلیت شیعیان را مهاجران تشکیل داده‌اند، هنجارها و ارزش‌های دینی این گروه خاص در عمل شکل گرفته است؛ اما جابه‌جایی باعث شده تا آنها در محیط و شرایط جدیدی قرار بگیرند که هم‌خوانی با باور

شکل گرفته آنها ندارد. در این صورت، عواملی که با باور شیعی هماهنگی دارند، ایجابی و آن دسته از عواملی که باعث افول یا تغییر ناهمگون در باور شیعی می‌شوند، سلبی خواهند بود. از جمله عوامل ایجابی، «خانواده»، «مراکز اسلامی» و «جلسات قرآن»، و از جمله عوامل سلبی، «مدارس و دانشگاه‌ها»، «محیط شهری»، «سیاست‌های اجتماعی مانند ادغام»، «فرهنگ‌پذیری»، «تبعیض»، «اسلام‌هراسی» و «پروتستان‌تیسیم و مسیحیت تبشیری» قابل اشاره هستند.

### واکاوی رابطه جامعه‌پذیری دینی و خانواده در میان اقلیت‌های شیعی

خانواده به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین کانون‌های شکل‌گیری باورهای دینی فرزندان به‌شمار می‌رود و این مسئله در میان «مهاجران» و «اقلیت‌ها» از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود؛ چرا که طبیعتاً در فرآیند جابه‌جایی و آشنایی با محیط جدید، فرزندان، تا مدتی با خانواده انس بیشتری پیدا می‌کنند تا اینکه بتوانند با شرایط نو وفق پیدا کنند و دایره روابط اجتماعی خود را گسترده‌تر سازند.

البته هرگز نباید به دنبال یک واقعیت عمومی در میان تمامی خانواده‌های شیعی<sup>۱</sup> بود و به‌راحتی می‌توان نگاه جزئی‌تری را بر اساس متغیرهایی نظیر ملیت (عراقی، لبنانی، ایرانی، شبه‌قاره‌ای، افغانی و...)، زمان مهاجرت، مکان زندگی و المان‌های دیگر دنبال کرد. هریک از این متغیرها، تفاوت برآیند کلی در «نحوه نگرش دینی» و «میزان پایبندی به تعهدات دینی» را در پی خواهند داشت.

مشکل زمانی دوچندان می‌شود که تعداد قابل توجهی از خانواده‌های شیعی با قرار گرفتن در تمدن مدرن که در آمریکا به منصفه ظهور رسیده است، دچار بحران‌های خانوادگی شدند و پایگاهی که باید مایه آرامش اعضای خانواده باشد، به محلّی برای تنش و اختلافات خانوادگی مبدل می‌شود. برای مثال، بعضی از زنان عراقی با قرار گرفتن در شرایط جدید، حاضر به تحمل رفتار و کنش سنت‌گرایانه همسران خود

---

۱. منظور از خانواده شیعی، آن گروه از شیعیانی هستند که خود را به باورها و احکام شیعی ملتزم می‌دانند و شیعه بودن را جزئی از هویت خود تلقی می‌کنند.

نیستند و این معضل در موارد متعددی به «جدایی» نیز انجامیده است. البته همین مسائل در برخی خانواده‌های شبه‌قاره‌ای، لبنانی و ایرانی نیز مشاهده شده است؛ اما این میزان در میان خانواده‌های سنتی عراقی بیشتر بروز و ظهور دارد.

در چنین شرایطی، رابطه خانواده و باورهای دینی فرد چگونه است؟ نسبت‌سنجی همین رابطه در خانواده‌هایی که از این مشکل رنج نمی‌برند، چه الگویی را به تصویر خواهد کشید؟ با مشاهده مواردی که از این‌گونه آسیب‌های خانوادگی رنج می‌برند و مقایسه با سایر موارد، برخلاف انتظار، رابطه و تأثیر مستقیمی با باورهای دینی فرد یافت نشد! اعضای خانواده اعم از والدین و فرزندان در چنین مواردی، بیشتر به جای مراجعه به روان‌شناس و مراکز مشاوره و مددکاران اجتماعی، به مراکز اسلامی هم‌کیشان و هم‌زبان‌های خود مراجعه می‌کنند و راه‌حل معضل خود را در دین می‌جویند. البته این رویکرد می‌تواند علاوه بر دلایل فرهنگی، مبتنی بر ریشه‌های دینی نیز باشد؛ چرا که در این هنگام، خانواده اصالت خود را به‌عنوان یک المان تأثیرگذار در جامعه‌پذیری دینی نوع دوم از دست داده است.

با این وجود، آسیبی که در این نوع خانواده‌های شیعی وجود دارد این است که فرزندان شیعی، بیشتر وقت خود را بیرون از منزل می‌گذارند و این مسئله در جوامعی که بافت دینی متفاوتی از باورهای درون خانواده دارد، خودبه‌خود گرایش‌هایی بیرون‌دینی را در فرد ایجاد خواهد کرد.

تا اینجا خانواده و جامعه‌پذیری دینی نوع اول، رابط معکوسی با هم داشته‌اند و هرچه خانواده بافت دینی منسجم‌تری را به اعضای خود القا کند، آنها جامعه‌پذیری دینی و به عبارت دیگر هم‌خوانی ایدئولوژیک کمتری را با جامع آمریکا احساس خواهند کرد. در مقابل، اگر چارچوب دینی خانواده متزلزل باشد (حال چه خانواده فضای آرامی را تجربه کند و چه دچار بحران‌های روانی-اجتماعی باشد)، جامعه-پذیری دینی به معنای هم‌زبانی با باور و ارزش‌های لیبرال و سکولار غربی، بیشتر در میان افراد شیعی به چشم می‌خورد.



این مسئله دقیقاً در نقطه مقابل منطقی است که «تالکوت پارسونز» درباره نقش خانواده در تثبیت هویت و شخصیت افراد (البته در حالت عادی و عمومی) بیان می‌کند: «خانواده به مثابه کارخانه‌ای می‌ماند که شخصیت انسان را تولید می‌کند. اما مسئله بدین جا ختم نمی‌شود و اگر سازوکار ثبات هویت و شخصیت که اساساً با فرآیند جامعه‌پذیری گره خورده است، به درستی شکل نگیرد، نمی‌توان انتظار داشت که شخصیتی که مولود خانواده است، به همان شکل بماند. به نظر من خانواده دو کارکرد اساسی و تقلیل‌ناپذیر را باید ایفا کند: اول، جامعه‌پذیری بنیادین فرزندان، تا اینکه آنها به فردی از جامعه‌ای که در آن به دنیا آمده‌اند، تبدیل گردند؛ دوم، تثبیت شخصیت بزرگسالان جامعه».<sup>۱</sup>

مسئله دیگری که به عنوان مؤید رابطه معکوس خانواده و جامعه‌پذیری دینی در میان اقلیت‌های شیعی مطرح است، تعداد افراد خانواده‌های شیعی به طور متوسط است. «میزان باروری»<sup>۲</sup> مسلمانان و شیعیان یکی از المان‌هایی است که باعث تفوق این جامعه کوچک در مقایسه با سایر ریزجوامع در آمریکا می‌شود و در کنار مهاجرت، به عنوان یکی از دلایل رشد اسلام در آمریکای شمالی در میان سایر اقلیت‌های دینی برشمرده می‌شود.

از آنجا که این موضوع بسیار حائز اهمیت است، در فصل جداگانه‌ای باید به آن پرداخت؛ اما در این بخش باید میزان تأثیرگذاری جمعیت افراد خانواده بر جامعه‌پذیری دینی را مورد بررسی قرار داد. به عبارت دیگر، همان‌طور که پارسونز اشاره می‌کند، جامعه‌پذیری افراد به خصوص فرزندان در خانواده‌هایی که از یک یا دو فرزند تشکیل شده‌اند، متفاوت از خانواده‌هایی است که تعداد فرزندان به چهار یا پنج نفر می‌رسد.<sup>۳</sup> در خانواده‌های هسته‌ای، اکثر فرزندان فرآیند جامعه‌پذیری خود در

---

1. Talcott Parsons and Robert F. Bales, "Family, Socialization and Interaction process", Free Press, 1995.

2. Birth Rate.

3. Ibid, p 18-19.

کانون خانواده را از رابطه صمیمی خود با مادر آغاز می‌کنند و به‌نوعی فرآیند طولانی-تری را باید برای جامعه‌پذیری طی کنند؛<sup>۱</sup> اما این ترتیب و میزان تأثیرگذاری در خانواده‌های پرجمعیت متفاوت خواهد بود.

تجربه میدانی نشان می‌دهد که وضعیت اکثر مسلمانان از معادله‌ای هماهنگ تبعیت می‌کند: هرچه تعداد افراد خانواده در مهاجران افزایش یابد، آنها درون‌گرایانه‌تر عمل خواهند کرد و کمتر تحت تأثیر عوامل برون‌ی جامعه‌پذیری مانند محیط جامعه و مراکز آموزشی قرار خواهند گرفت.

### میزان تأثیرگذاری نظام آموزشی بر جامعه‌پذیری اقلیت‌های شیعی

یکی از شیعیان شبه‌قاره که شهروند کانادا بود و تجربه زیادی از تعامل با مراکز شیعی در آمریکا را نیز داشت، به این حقیقت اشاره می‌کرد که «فرزندان ما دیگر در اختیار ما نیستند و آنها در طول شبانه‌روز اکثر وقت خود را در مدارس سپری می‌کنند. خانواده دیگر به‌عنوان کانون استقرار اعضای خود، نقش و جایگاه سابق را از دست داده است. بنابراین، اگر در سطح راهبردی، گروه یا افرادی به چگونگی ارتقای هویت دینی شیعیان می‌اندیشند، ضرورتاً بهترین مسیر برای اندیشه‌ورزی نظام آموزشی در آمریکای شمالی است».<sup>۲</sup>

اگرچه به گمان این فرد، بهترین راهکار، احداث و تأسیس مدارس اسلامی است که سرفصل‌های پیشنهادی خود را به تأیید وزارت آموزش برسانند و در نتیجه شیعیان بتوانند فرزندان خود را در مکان آموزشی مورد علاقه خود با طیب خاطر ثبت نام کنند، اما کارآمدی این پیشنهاد باید در جای خود مورد بحث و گفتگو قرار گیرد. آنچه به‌صورت دلالت تطابقی از این سخن می‌توان دریافت کرد این است که مدارس آمریکا زمان بیشتری را در مقایسه با خانواده در اختیار دارند تا نحوه پرورش جوانان و میزان تأثیرگذاری خود را به سود خود تغییر دهند.

---

1. Ibid.

۲. این مصاحبه با ساکنان شیعی در آمریکای شمالی در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶ انجام پذیرفته است.

با مطالعه موشکافانه درباره برتری میدانی سکولاریسم بر کلیسای مسیحی در اروپا به این نتیجه می‌رسیم که سکولاریسم عرصه عرض اندام را از دین در ساحت آموزش ربود. به دیگر سخن، سکولاریسم در شکل اولیه خود، از نظام آموزشی آغاز شد؛ درحالی‌که تا قبل از آن، مسئولیت تمام مراکز آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی و تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها به عهده کلیسا بود و مؤید این مطلب، مراجعه به تاریخچه و فلسفه تأسیس دانشگاه‌های مهم جهان از جمله هاروارد است که اساساً یک دانشگاه مسیحی برای تربیت روحانی‌پویرتن به شمار می‌رفت.<sup>۱</sup> رفته‌رفته و در فرآیند سکولاریته، نظام آموزشی دیگری در کنار نظام آموزشی که به‌وسیله دین اداره می‌شد، تعریف شد که مسئولیت آن را دولت بر عهده گرفت و در شرایط قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی که رویکرد ضد‌دینی در فرانسه و بعد در سایر کشورها مانند انگلستان به اوج رسیده بود، آموزش سکولار خواهان بیشتری پیدا کرد؛ تا جایی که نظام آموزشی قبلی به خلوت کلیساها و برخی به خانواده‌های مذهبی محدود شد.

برای شناخت بهتر با مکانیسم جامعه‌پذیری دینی در آمریکا، لازم است که وضعیت مدارس در آمریکا از نظر میزان تعهد به دین و هنجارهای دینی شناخته شود.

### وضعیت‌شناسی مدارس در آمریکا

متمم اول<sup>۲</sup> قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، حکومت را از وضع قوانین برای «رسمیت‌بخشی به یک دین خاص»، «ممنوع کردن اعتقاد آزاد به دین»، «محدود کردن آزادی بیان»، «از بین بردن حق تجمع صلح‌آمیز یا حق شکایت به منظور جبران خسارت‌ها از سوی دولت» باز می‌دارد. در اوایل دهه ۶۰ میلادی، دادگاه باعث عقب‌رانده شدن محافظه‌گرایان دینی شد. ابتدا در سال ۱۹۶۲ هرگونه دعای روزانه که از سوی مدارس دولتی حمایت می‌شد، ممنوع شد؛ حتی دعاهایی با مضامین عام و غیرفرقه‌ای. از این زمان به بعد، دادگاه عالی در موضع خود پیشروی کرد و خواندن

---

1. [https://www.newworldencyclopedia.org/entry/Harvard\\_University](https://www.newworldencyclopedia.org/entry/Harvard_University).

2. First Amendment.

کتاب مقدس را برای آموزش اخلاقی و دینی در سال ۱۹۶۳ برخلاف متمم اول تلقی کرد؛ همچنین خواندن دعا در سطح مدرسه در سری مسابقات فوتبال در سال ۲۰۰۰ نیز خلاف قانون و ممنوع شد.<sup>۱</sup> طی این سلسله تصمیمات، دادگاه به طور مکرر بر این نکته تأکید می‌ورزید که قانون اساسی، مدارس دولتی را از هرگونه القائات دینی به فرزندان بازمی‌دارد.<sup>۲</sup>

مسئله جالب توجه در آمریکا، خیزش گروه‌های تبشیری<sup>۳</sup> در آمریکاست که هم‌گرایی عمیقی با یهودیان و مسیحیان صهیونیسم دارند و جمعیت قابل توجهی را به سمت خود جلب کرده‌اند. این گروه، درعین حال علیه سکولاریسم هم پرچم مخالفت برافراشته است و مدعی است که دولت آمریکا باید به طور برابر به فضای تجمع و سایر قالب‌های رسمی که مدارس دولتی برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد، دسترسی داشته باشند. البته ارزیابی کلی از این پدیده که باید در جای خود مورد تحقیق و واکاوی ژئوپولیتیکی قرار بگیرد، مثبت نیست و ای‌بسا، ناظر به اقلیت‌های شیعی، نظام سکولار از تهدید (بالتوجه و بالفعل) کمتری برخوردار است.

همان‌طور که گفته شد، مدارس دولتی تابع سیاست‌های سکولار هستند و اگرچه در سطح افراد و گرایش‌های دینی دانش‌آموزان ورود ندارد، اما هرگونه حمایت مدارس از فعالیت‌های دینی ممنوع است. از سوی دیگر، مدارس غیردولتی ممنوعیتی برای سیاست‌گذاری‌های دینی ندارند؛ اما آفت عمده این‌گونه مدارس این است که هزینه‌های مدارس خصوصی اسلامی نسبت به سایر مدارس به مراتب بالاتر است و به همین جهت، تعداد زیادی از شیعیان توانایی مالی برای ثبت‌نام فرزندان خود در این مدارس را ندارند و ناگزیر در مدارس دولتی ثبت‌نام می‌کنند.

به‌هرحال، مطلب اصلی بررسی آسیب‌هایی است که نظام آموزشی در آمریکا برای

1. <https://www.pewforum.org/2019/10/03/religion-in-the-public-schools-2019-update/>

2. Ibid.

3. Evangelical Christians.

هویت دینی اقلیت‌های شیعی و به نفع جامعه‌پذیری دینی مطلوب خود ایجاد می‌کند. از جمله آسیب‌های بالفعل که به آسانی قابل مشاهده هستند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳. برنامه‌ریزی آموزشی؛

۴. سرفصل‌های دروس؛

۵. اجباری بودن واحدهایی همچون رقص و موسیقی؛

۶. اختلاط و ولنگاری جنسی؛

۷. برنامه‌های فرهنگی اعم از جشن‌ها و گردهمایی‌ها؛

۸. سنت‌های مدرسه‌ای هم‌کلاسی‌ها مانند جشن پرام.<sup>۱</sup>

برآیند کلی از تمام این موارد در چند نکته قابل تقلیل است:

۱. دیرپه‌نگامی است که آمریکا به یک جامعه چندفرهنگی تبدیل شده است و در شهرهایی مانند نیویورک و لس‌آنجلس، حتی فرهنگ غالب وجود ندارد. نتیجه چنین وضعیتی این است که آمریکا را دیگر نمی‌توان یک دولت-ملت دانست و این مسئله در میان دانش‌آموزان مدارس نیز خود را به خوبی بروز می‌دهد. پس، اولاً فرهنگ و ای‌بسا هویت آمریکایی همان‌طور که هانگ‌تینگتون اشاره می‌کند،<sup>۲</sup> در حال تغییر است و تحت تأثیر حضور بیشتر مهاجران و تعامل با آنها، درک بهتری از آنها پیدا کرده و خود نیز تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. ثانیاً در یک کلاس درس، تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان را مهاجران تشکیل می‌دهند که اصولاً آنها در برابر هم‌دیگر رفتار بهتری نشان می‌دهند.

۲. مسئله امروز مسلمانان به‌طورکلی و شیعیان به‌طور خاص این است که دیگر تمایز برجسته‌ای (چه در بُعد ظاهری و چه در بُعد رفتاری) میان آنها و سایر

---

1. Prom.

2. Samuel P. Huntington, "Who are we? The Challenges to America's National Identity", Simon and Schuster, 2005, p 43.

هم‌نوعان آنها یافت نمی‌شود. فرزندان شیعی از کودکی تا مقاطع بالاتر هم‌زمان با جنس مخالف در کلاس درس شرکت می‌کنند. مسئله بدین‌جا ختم نمی‌شود و افرادی که در مدرسه از جنس مخالف شریک و دوستی نداشته باشند، گویی دارای ضعف و اختلال در برقراری روابط اجتماعی هستند.

اساساً «باکره بودن» در میان آمریکایی‌ها (در میان دختر و پسر) به‌نوعی یک مسئله کمیاب به‌شمار می‌رود. این مسئله را می‌توان با نگاه آماری تأیید کرد؛ آنجا که گزارشات خوداظهاری نشان می‌دهد که نیمی از جوانان بین ۱۵ تا ۱۹ سال، مقاربت دهانی<sup>۱</sup> داشته‌اند. این میزان به ۷۰٪ در میان افرادی که به ۱۹ سال می‌رسند، افزایش پیدا می‌کند. در آمریکا، میانگین سنی پسرانی که اولین مقاربت جنسی<sup>۲</sup> خود را تجربه کرده‌اند، ۱۶/۸ است و این آمار در دختران به ۱۷/۲ ارتقا می‌یابد. از میان نوجوانانی که تجربه جنسی داشته‌اند، ۷۰٪ از دختران و ۵۶٪ از پسران با دوست خود رابطه برقرار کرده‌اند؛ درحالی‌که ۱۶٪ از دختران و ۲۸٪ از پسران، باکره‌گی خود را در ارتباط با یک فرد ناآشنا یا آشنای موقت از دست داده‌اند.<sup>۳</sup> غیر از معضلات اخلاقی و بحران‌های روانی که این قبیل روابط برای طرفین ایجاد می‌کند، بیماری‌های مقاربتی<sup>۴</sup> نیز در آمریکا به یکی از معضلات بزرگ اجتماعی تبدیل شده است. هر ساله، در حدود ۸ تا ۱۰ میلیون نوجوان آمریکایی به این نوع بیماری‌ها یا عفونت‌ها<sup>۵</sup> دچار می‌شوند.

محیط آموزشی تنها یکی از فضاهاست که در آمریکا از چنین شرایطی رنج می‌برد و البته به لحاظ شرایط سنی و هیجانی که اغلب در میان نوجوانان به اوج خود می‌رسد، این قبیل مسائل شدیدتر است. گفتنی است که رابطه جنسی در آمریکا برای هیچ‌یک از طرفین الزام‌آور و تعهد‌آور نیست! افراد زیادی هستند که بعد از سال‌ها

---

1. Oral Sex.

2. Sexual Intercourse.

3. [https://en.wikipedia.org/wiki/Adolescent\\_sexuality\\_in\\_the\\_United\\_States](https://en.wikipedia.org/wiki/Adolescent_sexuality_in_the_United_States).

4. Sexually transmitted disease.

5. Sexually transmitted infection.

زندگی زناشویی، تصمیم می‌گیرند تا با یکدیگر ازدواج کنند! همین فرهنگ در مدارس نیز رواج دارد و عمیق‌ترین و احساسی‌ترین رابطه‌ای که ممکن است میان دو فرد اتفاق بیفتد، به ساده‌ترین شکل به بی‌معنابودن تفسیر و توجیه می‌کند.

۳. مسئله دیگر که بیش از سایر معضلات آسیب‌زننده است، این است که فضای مدرسه، اعم از مواد درسی، فضای کلاسی، روابط بین‌فردی (چه دانش‌آموزان با یکدیگر و چه استاد و شاگرد) بی‌روح و بی‌معناست؛ چرا که بی‌دین است. البته بی‌دینی به معنای بی‌اخلاقی نیست؛ همچنین به معنای نفی گرایش‌های دینی در سطح افراد (به‌صورت تک‌تک) نیست. به عبارت دیگر، حتی اگر افراد در سطح اندک و شخصی خود نیز متخلق باشند و رفتار اخلاق‌مدارانه‌ای انجام دهند، این رویداد در سطح کلان، عاری از هرگونه پشتیبانی و باور دینی به شمار می‌رود؛ به‌نوعی، خوبی خوب است؛ چون سکولار است و اگر پشتوانه دینی داشته باشد، به معنای تحجر و عقب‌ماندگی است. حتی ترجمه موفقیت در عرصه آموزش نیز کاملاً مادی‌گرایانه است و دانش‌آموزان موفق کسانی هستند که در رشته‌های مورد نیاز جامعه و بر اساس رویکرد کارکردگرایانه، خود را به اثبات برسانند.

روند جامعه‌پذیری دینی در این محیط چگونه است؟ میان جامعه‌پذیری دینی نوع اول و محیط آموزشی در آمریکا نیز هماهنگی برقرار نیست. اساساً سیاست آموزشی، رویکرد غیردینی دارد و هرگونه نشانه‌ای از ورود دین را به شدت منکوب می‌کند؛ حتی اگر فلان رفتار، باور یا ایده، از جمله تعالیم مشترک میان تمام ادیان باشد. عبارت دقیق‌تر و بهتری برای توصیف این شرایط وجود دارد و آن اینکه اصل جامعه‌پذیری در حال شکل گرفتن است؛ اما «جامعه‌پذیری سکولار» که طی آن دانش‌آموزان فرا می‌گیرند که در مقابل نظریه‌های ضد‌الهیاتی که در زیست مطرح می‌شود، رابطه‌های غیرمتعارف مانند همجنس‌گرایی که در میان هم‌کلاسی‌ها وجود دارد، مشکلات اخلاقی و اجتماعی اعم از حمل اسلحه یا مصرف مواد مخدر و... نه تنها منعطف عمل کنند، بلکه از منظر حقوقی قابل احترام بشمارند.

اگرچه این شرایط در تمامی مدارس به یک شکل و در یک سطح وجود ندارد و متغیرهای فراوانی در میان است و حتی می‌توان پژوهشی توصیفی بر اساس مناطق، ایالات و حتی شهرهای مختلف انجام داد، اما روح حاکم بر نظام آموزشی در تمام مدارس به یک شکل است و تفاوت‌های جزئی باعث نمی‌شود که صورت مسئله تغییر کند.

بنابراین، بدیهی است که شیعیان به‌عنوان یک اقلیت دینی، دغدغه‌های فراوانی برای ثبت‌نام فرزندان خود دارند. برای نمونه، یکی از شیعیان، از اینکه دو پسرش باید در مدرسه ابتدایی، در کلاس رقص و موسیقی شرکت می‌کردند، گلایه‌مند بود؛ چرا که در صورت عدم حضور یا مردود شدن آنها در کلاس، با تجدید چندباره مقطع تحصیلی مواجه می‌شدند.

### ادغام و جامعه‌پذیری دو روی یک سکه

عبدو الخولی در مقاله‌ای که در دهه پنجاه میلادی منتشر شد، سه معیار مهم را در راستای ادغام مسلمانان در بافت جامعه آمریکا و به‌اصطلاح آمریکایی شدن آنها عنوان کرد که عبارت بودند از «شغل»، «کسب مهارت زبانی» و «ترجیح برای زندگی در مناطق متوسط». در همین مطالعه، الخولی پیش‌فرض خود مبنی بر اینکه تعهد دینی مسلمانان، مانع ادغام آنها در جامعه و فرهنگ جدید می‌شود، را رد کرد و بر اساس مطالعه و ارزیابی خود از مسلمانان دو شهر «تولدو» در ایالت اوهایو و «دیترویت» در ایالت میشیگان، ثابت کرد که اگرچه مسلمانان حاضر در هر دو شهر، از یک منطقه در لبنان مهاجرت کرده و از نظر دینی و قومی یگانه تلقی می‌شدند، اما مسلمانان شهر تولدو هم از تعهد دینی بیشتری برخوردار بوده و هم بیشتر رنگ و بوی آمریکایی به خود گرفته بودند.<sup>۱</sup>

سیاست ادغام را می‌توان در دو فاز مورد بررسی قرار داد:

---

1. Elkholy, Abdo A. "The Arab Moslems in the United States: Religion and Assimilation", New Haven: College and University Press, 1966, pp 15-16.



### ادغام و جامعه‌پذیر بودن مسلمانان

در اوایل حضور مسلمانان در آمریکا و با توجه به اینکه اکثر آنها از طبقه متوسط و پایین‌تر<sup>۱</sup> بودند، سیاست کلی که در راستای اجرای برنامه ادغام انجام می‌گرفت، نسبت به مسلمانان جهت‌دهی می‌شد. تلاش‌های زیادی از سوی لابی صهیونیسم به‌خصوص در دوره «بیل کلینتون» و البته قبل از آن نیز در طول دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی برای محکوم کردن مسلمانان و عرب‌های آمریکایی، در دستور کار قرار گرفت. مبنای سیاست ادغام بر این بود که مهاجرانی که به دنبال بهره‌مندی از رفاه و آزادی‌های قابل دسترس جامعه آمریکا هستند، باید اولاً آمریکایی باشند، ثانیاً برای جامعه مفید و کارآمد باشند و در نهایت وارد اظهارنظرهای سیاسی نشوند؛ البته مورد آخر به‌طورکلی تا اوایل قرن بیست و یک در مورد مسلمانان منتفی بود؛ چرا که مسلمانان هیچ تبحری در سامان‌دهی اتحادیه‌ها و کارهای تشکیلاتی نداشتند.

### خوانش جدید از اسلام در چارچوب آمریکا

در یک بازه زمانی گسترده‌تر و ای‌بسا دوشادوش با فاز اول، سیاست دیگری در میدان ادغام عملیاتی شد که دیگر ناظر به مسلمانان نبود؛ بلکه به دنبال ارائه تفسیر خاصی از اسلام بود که با آرمان‌های آمریکایی انطباق و سازگاری بیشتری داشته باشد. به نظر می‌رسد که فاز دوم از سیاست ادغام، مخاطرات بیشتر و ریشه‌ای‌تری را برای مسلمانان و شیعیان رقم می‌زند. این نیست، مگر اینکه این اقلیت به گمان اینکه در راستای تعهدات دینی خود گام برمی‌دارند، با اهداف پنهانی و زیربنایی اقدامات چینی همراه هستند.

همان‌طور که بیان شد، «روایای آمریکایی» برای بسیاری از مهاجران، پناهندگان و متقاضیان اقامت در آمریکا، به یک هدف متعالی و ضامن سعادت آنها مبدل می‌شود. رویای آمریکایی چیست؟ مسائل انکارناپذیری به‌طور حتم در این کشور وجود دارد

---

1. Haddad, Yvonne Y, "Becoming American: "The forging of Arab and Muslim Identity in Pluralist America", Baylor University Press, 2011, p 22.

که باعث جلب توجه سیل عظیمی از مردم برای سکونت در آن می‌شود. «سطح بالای آموزش به‌ویژه در دانشگاه‌ها»، «برخورداری از تکنولوژی روز»، «آزادی‌های مدنی»، «رفاه اجتماعی»، «بهره‌مندی از قدرت ژئوپولیتیک»، «ثبات نسبی اقتصادی» و «توسعه‌یافتگی»، از جمله واقعیت‌هایی هستند که در این کشور موجود است و شهروندان آمریکایی در حد قابل توجهی از آنها سود می‌برند.

حال اگر نگاهی به وضعیت مهاجران در آمریکا بیندازیم، درمی‌یابیم که این کشور رتبه نخست را در جذب مهاجر به نام خود ثبت کرده است. سال ۲۰۱۸، در حدود ۴۴/۸ میلیون نفر از جمعیت این کشور را مهاجران تشکیل داده‌اند. ۷۷٪ از این تعداد را مهاجران قانونی و ۲۳٪ را مهاجران غیرقانونی به خود اختصاص داده‌اند. از میان مهاجران قانونی، ۴۵٪ شهروند هستند، ۲۷٪ اقامت دائم و ۵٪ نیز اقامت موقت دارند.<sup>۱</sup>

یکی از تمایزاتی که میان مهاجران و آمریکایی‌های اصیل وجود دارد، به نرخ سواد بازمی‌گردد که مهاجران دست برتری دارند. ۵۰٪ از مهاجرانی که از خاورمیانه و شمال آفریقا به آمریکا آمدند، مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر دارند؛ درحالی‌که در میان آمریکایی‌ها این میزان به ۳۳٪ کاهش پیدا می‌کند.<sup>۲</sup> وجود چنین آماری نشان دهنده یکی از ریشه‌های علاقه‌مندی ساکنان کشورهای خاورمیانه است که باعث می‌شود تا فرار مغزها شدت بیشتری به خود بگیرد؛ مغزهایی که اکثراً نیروی جوان هستند و آموزش‌های مقدماتی و حتی در موارد متعدد پیشرفته را نیز گذرانده‌اند و صرفاً به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های بارورسازی کاربردی در کشورهای این منطقه، جذب کشورهای توسعه‌یافته‌ای همچون آمریکا می‌شوند و تمام منفعت خود را نثار آن می‌کنند. در سوی مقابل نیز هر کشور فرصت‌طلبی از جمله آمریکا این

1. <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2020/08/20/key-findings-about-u-s-immigrants>.

2. Ibid.

پدیده را مغتنم شمرده و البته زیرکانه و مطابق با سیاست‌های نهان و آشکار در جهت ادغام، جامعه‌پذیری یا فرهنگ‌پذیری، این عده را به امکانات و زیرساخت‌های موجود علاقه‌مند نگاه می‌دارد و در نهایت به یک نیروی خودی تبدیل می‌کند.

با توجه به نکاتی که گفته شد، ادغام یک پدیده یک‌سویه نیست که آمریکا را وادار کند تنها از طریق سیاست‌های تشویقی-ایجابی به جذب نیروی مورد علاقه خود پردازد و ای بسا به خواسته‌های آنها تن در دهد. فرآیند جذب مهاجر توانا و ادغام او در بافت اجتماعی، فرهنگی و دینی دیکته‌شده، یک پارادایم دوسویه است. آمریکا توانسته است شرایطی را در کشور خود به وجود آورد که سالیان متمادی است از قبل آن، منافع سایر کشورها را به سود خود جذب می‌کند و بدین‌وسیله در جهت توسعه‌یافتگی خود بیشتر رو به جلو حرکت کرده و گرایش‌های گسترده‌تری را در میان مردم ایجاد می‌کند. بنابراین، مهاجران خود از یک‌سو علاقه‌مند به زندگی در آمریکا هستند و این مسئله برای آنها به یک آرمان تبدیل شده است و از سوی دیگر، آمریکا نیز با غربالگری‌های مد نظر خود، آن دسته از افرادی را که برای بخش‌های مختلف جامعه مورد نیاز هستند، جذب می‌کند تا این فرآیند دوسویه کامل گردد.



تمام این مسائل هنگامی ظهور و بروز پیدا می‌کند که هدف به سمت ادغام افراد جهت‌دهی شده باشد. اما در صورتی که نوک پیکان ادغام، خود دین را هدف قرار داده

باشد، شرایط به‌گونه‌ای دیگر خواهد بود. اساساً جوامع اروپایی را به‌نوعی می‌توان از مصادیق بارز اجرای سیاست‌های سکولاریسم دانست؛ اما آمریکا یک جامعه دینی است که داعیه‌دار تضمین آزادی‌های دینی و اجتماعی برای افراد و گروه‌های مختلف است. تکثرگرایی برآیند چنین سیاستی است و به گروه‌های دینی مختلف بر اساس آزادی باور و بیان، اجازه اظهار عقیده و انجام مناسک دینی را می‌دهد.

حال پرسش از اینکه حدود این آزادی کجاست و چه فرد یا افرادی حق تعیین مرزبندی‌ها در مقام نظر و تصمیم‌گیری بر اساس آن در مقام عمل را دارا هستند، در جای خود قابل بحث است؛ اما مسئله حاضر این است که چگونه تناقضات و تعارضات احتمالی میان ادیان رفع و رجوع خواهد شد. سابق بر این گذشت که آمریکا جامعه‌ای سکولار نیست که ورود دین در ساحت سیاست، جامعه و فرهنگ عمومی را نفی کند؛ پس الگوی تعاملی آمریکا برای سازگار کردن ادیان چیست؟

یکی از پاسخ‌هایی که شواهد و قرائن میدانی مؤید آن نیز از نظر خواهد گذشت، این است که اقلیت‌های دینی باید در قبال سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه آمریکا منفعل بوده یا در وضعیت بهتر، مطیع و سازگار باشند. از این منظر، اسلام به‌عنوان دین مبنایی و الهام‌بخش یکی از اقلیت‌های نوپا و در حال خیزش آمریکا که پیش‌بینی می‌شود در آینده نه‌چندان دور، به بزرگ‌ترین اقلیت دینی در آمریکا تبدیل شود، تهدید بالقوه‌ای است که باید درمان شود.

در مقاطع مختلف تاریخی، چه در دهه نود میلادی و چه در اوایل قرن بیست‌ویک، رویکرد آمریکا در برابر اسلام خصمانه بود و تلاش‌های خود را بر مواجهه مستقیم با اسلام بنا نهاد. «اسلام‌هراسی» که از اولویت‌های اکثر ائتلاف فکری‌های آمریکایی است، به‌گونه‌های مختلف، از سوی مسلمانان تجربه شده است و تعداد بسیاری از آنها رفتار تبعیض‌گرایانه، خشونت‌آمیز و جنایات ناشی از تنفر را

---

1. <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2017/08/09/muslims-and-islam-key-findings-in-the-u-s-and-around-the-world/>

مشاهده کرده‌اند. پدیده اسلام‌هراسی در آمریکا با عینک ریزبینانه و دقیق‌تری در بخش مربوط به خود مورد مطالعه قرار خواهد گرفت؛ اما دانستن این واقعیت لازم است که رویکرد اکثر تصمیم‌سازان و بازیگران مهمی که به‌نوعی اونجلیست یا از فرقه‌های تبشیری محسوب می‌شوند، مغرضانه و کینه‌توزانه است. در حقیقت این گروه هستند که حضور آمریکا در خاورمیانه را ضروری می‌دانند و معتقدند که آمریکا باید از اسرائیل حمایت کند تا مقدمات بازگشت دوباره مسیح فراهم گردد.

اما آنچه به‌صورت موازی با اسلام‌هراسی به‌عنوان سیاست آمریکا در قبال اسلام ساخته و پرداخته می‌شد، فرآهم‌آوری خوانشی نو از اسلام در چارچوب نظریه ادغام بود که هرگونه خطر احتمالی از ناحیه اسلام در برابر ژئوپولیتیک و اقدامات منطقه‌ای آمریکا را خنثی کند.

جان اچ مورگان<sup>۱</sup> یکی از افراد برجسته‌ای است که نه تنها درباره وضعیت‌شناسی مهاجران مسلمان در آمریکا، بلکه حتی به بایدها و نبایدهایی که یک روحانی مسلمان لازم است درباره این وضعیت بداند، مقالات متعددی به رشته تحریر درآورده است. وی در مقاله‌ای با عنوان «اسلام و ادغام در غرب: عناصر فرهنگی و دینی در تجربه مسلمان آمریکایی»<sup>۲</sup> به نقل از آروینگ هو<sup>۳</sup>، به تفاوت قومی-نژادی انواع مهاجران در آمریکا اشاره می‌کند:

«آنچه باعث شد تا اکثر ایتالیایی‌ها، ایرلندی‌ها و آلمانی‌ها و لهستانی‌ها مراحل انتقال به آمریکایی شدن را راحت‌تر سپری کنند، این واقعیت بود که آنها به لحاظ ذهنی و روانی با دین مسلط در آمریکا (که همان مسیحیت است) آمیخته باشند... برای اینکه فرآیند آمریکایی شدن به نفع جامعه مسلمان رخ دهد، دو اتفاق باید به وقوع بپیوندد: نخست اینکه روحانی‌های مسلمان باید به سرعت با فضای حرفه‌ای-

---

1. John H Morgan.

2. Islam and Assimilation in the West: Religious and Cultural Ingredients in American Muslim Experience.

3. Irving Howe.

گری و تخصص در آمریکا آشنا شوند؛ دوم اینکه جامعه مسلمانان آمریکایی همانند پیشینیان یهودی خود، باید به دنبال راه‌اندازی مؤسسات الهیاتی برای تربیت روحانی آمریکایی تلاش کنند.<sup>۱</sup>

یکی از پیشنهادات این مقاله این است که وارد کردن روحانی از خاورمیانه برای امور دینی و تبلیغی مسلمانان آمریکا در بهترین حالت مانند مرهم موقت می‌ماند که به‌هیچ‌وجه برای یک جامعه مهاجر قوی و به لحاظ مالی و حرفه‌ای پایدار مناسب نیست. همین مسئله، به زعم نویسنده، در میان سایر اقلیت‌های دینی، از جمله یهودیان و کاتولیک‌ها نیز در گذشته اتفاق افتاد و آنها با تأسیس مدارس دینی مانند Hebrew Union College of Cincinnati یا Jewish Theological Seminary فرآیند ادغام را سریع‌تر و بهتر طی کردند.<sup>۲</sup>

این در حالی است که شهروندان آمریکا نیز تحت تأثیر سیاست‌های سکولار، در مقیاس جهانی، بیشتر از هر زمان دیگر، از ادیان سازمان‌دهی شده فاصله می‌گیرند و به‌نوعی به معنویتی برساخته و فردی می‌گروند. همین مسئله نیز به نوبه خود، بر اقلیت‌های دینی در آمریکا نیز تأثیر گذاشته است و مسلمان بودن در آمریکا به‌ویژه در میان جوانان دیگر، به معنای شرکت در نماز جمعه یا ارتباط با مساجد نیست؛ آنها نه‌تنها از نظر ظاهر، رفتار و گونه زیستی خود مشابه همسالان آمریکایی خود رفتار می‌کنند، بلکه به لحاظ فرهنگی نیز تا حدودی از سکولاریسم دینی<sup>۳</sup> پیروی می‌کنند. از منظر این عده، هنگامی که عده‌ای از یک فرهنگ دینی و سنتی وارد فرهنگ جدیدی می‌شوند که اولاً همخوانی ویژه‌ای میان آن دو وجود ندارد، بلکه متعارض نیز

---

1. John, Morgan, "Islam and Assimilation in the West: Religious and Cultural Ingredients in American Muslim Experience", in "Journal of Religion and Society", Vol 16, 2014, p 2-4.

2. Ibid, p 4.

۳. سکولاریسم دینی که به نظر یک مفهوم خودنقیض به شمار می‌رود، در اینجا به معنای گرایش به معنویت غیردینی است که امروزه به عنوان یک جنبش جدی با عنوان SBNR در حال اوج‌گیری است.

هستند و ثنیا اعضای آن خواهان پذیرفته شدن در فرهنگ جدید هستند، راهی جز ارائه نسخه‌ای کارآمد از دین در موطن جدید وجود ندارد.<sup>۱</sup>

همان‌طور که مشاهده می‌شود، «پذیرش» که آن روی سکه‌ای است که در جامعه-شناسی «جامعه‌پذیری» نامیده می‌شود، هنگامی محقق می‌شود که دین لوازم فرهنگ جدید را بپذیرد و به اصطلاح دستورات غیراساسی خود را به فراموشی بسپارد. تا بدین جا از گونه‌های مختلف ادغام صحبت به میان آمد و تلوایحا بیان شد که ادغام علاوه بر اینکه بر اساس یک سلسله سیاست‌های کلی به دنبال حذف هویت-های خرد و جذب آنها ذیل یک هویت فراشمول تحت عنوان «آمریکایی» است، مهاجران نیز به دنبال دستیابی به امتیازات ویژه‌ای هستند که از قبل ادغام برای آنها قابل دسترس خواهد بود.

از جمله‌المان‌هایی که به تسریع فرآیند ادغام کمک می‌کند و همچنین تمایز میان نسل‌های چهارم به بعد از مهاجران با نسل‌های پیشین را رقم می‌زند، اولاً زبان تکلم، ثنیا محل تولد و ثالثاً شیوه آموزش خواهد بود. از آنجا که جوانان شیعه در آمریکا به دنیا آمده‌اند، طبیعی است که تسلط بسیار خوبی بر زبان انگلیسی دارند. این عده در برخی موارد، حتی کمترین آشنایی با زبان مادری خود ندارند و نمی‌توانند با آن تکلم کنند. به‌علاوه، این گروه سنی در نظام آموزشی آمریکا پرورش یافته‌اند که خود نیز آسیب‌های خاص خود را دارد و در جای خود بدان پرداخته شد.

برآیند تمام این ملاک‌ها این است که جوانان شیعه از نظر پوشش ظاهری، رفتار و تعامل با دیگران، بسیار شبیه سایر گروه‌های همسال خود رفتار می‌کنند و این همان جامعه‌پذیری دینی یا ادغام است که تصمیم‌سازان آمریکایی خواهان آن هستند.

### تعامل و هم‌گرایی: دستور کار جایگزین

صحبت از جامعه‌پذیری دینی از نوع اول که به‌هیچ‌وجه مطلوب شیعیان و تصمیم-

---

1. Ibid, p 4.

سازان شیعی نیست، گذشت؛ همچنین برخی عوامل تعیین‌کننده در فرآیند شکل‌گیری آن مورد ارزیابی قرار گرفت. اما شرایط اقلیت‌های شیعی از منظر جامعه‌پذیری دینی نوع دوم نیز قابل تصور است و آن اینکه کشوری مانند ایران که مهم‌ترین خاستگاه شیعی در فضای بین‌الملل تلقی می‌شود، چه سازوکاری را برای حفظ این اقلیت‌ها سامان می‌دهد؟ چه راهبردهایی را در دستور کار قرار می‌دهد تا این شیعیان به جای تأثیرپذیری از الگوی جامعه‌پذیری دینی در آمریکا، از پارادایم «تعامل»<sup>۱</sup> و به نفع هویت شیعی خود دفاع کنند. حتی می‌توان از امکان تحقق الگوی موفق‌ی مانند سایر اقلیت‌های دینی همچون یهودیان یا کاتولیک‌های مسیحی در آمریکا سخن گفت که در طول اقامت خود در آمریکا با فراز و نشیب‌ها، سختی‌ها و چالش‌های مشابهی مواجه شدند؛ با این وجود توانستند خود را در سطح بالایی تصمیم‌سازی در آمریکا برسانند و از ظرفیت‌های این کشور برای منافع خود استفاده ببرند.

پرسش این است که چگونه شیعیان می‌توانند دست به چنین اقدامی بزنند؟ آیا مزیت مشخصی در این اقلیت وجود دارد که در رقابت با سایر گروه‌ها (اکثریت یا اقلیت)، شیعیان را خودبنیاد و برتر نشان دهد؟ مسلمانان در آمریکا به جامعه نسبتاً کوچکی تعلق دارند؛ اما این جمعیت در چشم‌انداز دینی آمریکا به سرعت در حال رشد است. مرکز آماري پيو تعداد مسلمانان را حدود ۳/۴۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۷ تخمین می‌زند که در مقایسه با سال ۲۰۱۱ (۲/۷۵) و ۲۰۰۷ (۲/۳۵) افزایش قابل توجهی را نشان می‌دهد. بنابراین، مسلمانان بیش از یک درصد از جمعیت آمریکا (۱/۱٪) را به خود اختصاص داده‌اند.<sup>۲</sup>

در ادامه به پنج مزیت رقابتی در میان اقلیت‌های شیعی آمریکا اشاره خواهد شد که حتی در مقایسه با بدنه اصلی آمریکا، کفۀ ترازو را به نفع آنها سنگین خواهد کرد.

---

1. Integration.

2. <https://www.pewforum.org/2017/07/26/findings-from-pew-research-centers-2017-survey-of-us-muslims/>



اگر این ظرفیت‌ها به درستی جهت‌دهی شده و هریک بر اساس سازمان‌دهی مناسب به نقطه اوج برسند، شرایط نوینی را برای شیعیان به ارمغان می‌آورد که در کل آمریکا قابل احترام خواهند بود و به اصطلاح، شرایط میدانی برای «نظریه تعامل» مهیا خواهد شد تا به‌عنوان چشم‌انداز و راهبرد اصلی شیعیان، جای جامعه‌پذیری نوع اول از سوی دیپلماسی آمریکایی را بریابد.

### میانگین سنی

اطلاعات به‌دست‌آمده از گزارش مؤسسه آماری پیو حاکی از این واقعیت است که مسلمانان در آمریکا بسیار جوان بوده و اکثر بزرگسالان آنها (۶۰٪) زیر ۴۰ سال هستند. این آمار در سنجش با میانگین سنی آمریکایی‌ها، بسیار جوان‌تر است. در حدود ۳۵٪ از کل مسلمانان میان ۱۸ تا ۲۹ سال هستند؛ در حالی که آمریکایی‌ها نرخ ۲۱٪ را نشان می‌دهند.<sup>۱</sup> گزینه دیگری که به واسطه آن می‌توان جوانی یا پیری جمعیت مورد نظر را به اثبات رساند، تعیین میانگین سنی است. میانگین سنی مسلمانان در آمریکا ۳۵ سال است که در مقایسه با میانگین سنی آمریکایی‌ها (۴۷)، ۱۲ سال جوان‌تر است.<sup>۲</sup>

مسلمانان			آمریکایی	سن
آفریقایی-آمریکایی	زاده آمریکا	مهاجران	عموم جمعیت	
%	%	%	%	
۳۴	۴۵	۲۸	۲۱	میان ۱۸ تا ۲۹
۲۲	۲۲	۲۸	۱۷	میان ۳۰ تا ۳۹
۳۱	۲۵	۲۶	۲۵	میان ۴۰ تا ۵۴
۱۳	۹	۱۸	۳۶	بیش از ۵۵

### میزان ازدواج

1. <https://www.pewforum.org/2017/07/26/demographic-portrait-of-muslim-americans/>.

2. Ibid.

به طور تقریبی، نیمی (۵۳٪) از جوانان مسلمانی که در آمریکا زندگی می‌کنند، متأهل هستند؛ ۳۳٪ هرگز ازدواج نکرده‌اند و حدود ۸٪ از آنها طلاق یا جدایی را تجربه کرده‌اند. ۴٪ از این گروه، با دوست خود زندگی می‌کنند و ۱٪ بیوه هستند. نکته جالب توجه این است که احتمال ازدواج در میان مهاجران مسلمان بیشتر از احتمال تأهل در میان مسلمانان زاده آمریکاست (۷۰٪ در مقابل ۲۹٪).

از هر ده نفر مهاجر مسلمان، هفت نفر ازدواج کرده‌اند.

وضعیت	مهاجر مسلمان	مسلمان آمریکایی	کل مسلمانان	آمریکایی غیرمسلمان
متأهل	۷۰٪	۲۹٪	۵۳٪	۵۳٪
مجرد	۳۰٪	۷۱٪	۴۷٪	۴۷٪
مجرد دائم	۲۲٪	۴۹٪	۳۳٪	۲۹٪
مطلق	۳٪	۱۳٪	۷٪	۱۰٪
جدایی	۱٪	۳٪	۲٪	۲٪
دوستی	۳٪	۵٪	۴٪	-
بیوه	۱٪	۲٪	۱٪	۶٪

همان‌طور که در این جدول دیده می‌شود، میانگین ازدواج در کل مسلمانان و کل آمریکایی‌ها برابر ۵۳٪ نشان داده شده است؛ درحالی‌که افرادی که با دوست یا همراه دیگری نیز زندگی مشترک دارند، آنها هم جزء افراد متأهل به حساب آمده‌اند.

### نرخ باروری

خانواده‌های مسلمان به طور متوسط ۲/۴ فرزند دارند؛ درحالی‌که خانواده‌های آمریکایی، آماری برابر با ۲/۱ فرزند را به ثبت رسانده‌اند. بنابراین، در میان گروه‌های دینی آمریکا، مسلمانان بیشترین نرخ باروری را از آن خود کرده‌اند. این آمار از افراد بزرگسال (بین ۴۰ تا ۵۹ سال) به دست آمده است.<sup>۱</sup>

1. <https://www.pewforum.org/2017/07/26/demographic-portrait-of-muslim->

## سطح تحصیلات

از هر ده نفر مسلمان در آمریکا، سه نفر (۳۱٪) در دانشگاه تحصیل کرده‌اند یا حائز مدرک تحصیلات تکمیلی هستند؛ میزانی که با آمار کل آمریکا برابر است.

میزان تحصیلات	مهاجران مسلمان	مسلمانان آمریکایی	کل مسلمانان	آمریکایی غیرمسلمان
کمتر از دیپلم	۱۰٪	۷٪	۸٪	۱۲٪
دیپلم	۲۷٪	۳۶٪	۳۰٪	۳۳٪
تحصیلات دانشگاهی	۲۵٪	۳۷٪	۳۰٪	۲۵٪
فارغ‌التحصیل دانشگاه	۲۳٪	۱۶٪	۲۱٪	۱۹٪
تحصیلات تکمیلی	۱۵٪	۵٪	۱۱٪	۱۱٪

همان‌طور که قابل ملاحظه است، مهاجران مسلمان بیشترین میزان تحصیلات را در میان سایر گروه‌ها دارند و افول آمار در میان مسلمانانی که در آمریکا به دنیا آمده‌اند، باعث شده است تا میانگین کلی آمار مسلمانان کم‌رنگ و مطابق با میزان کلی موجود در جامعه آمریکا باشد؛ در غیر این صورت، میزان تحصیلات مهاجران مسلمان بسیار بالاتر از متوسط کل جامعه آمریکاست.<sup>۱</sup>

## ارتباطات خانوادگی

اگرچه در مقیاس وسیعی که در موطن اصلی برقرار بود، شیعیان مهاجر چندان قادر به حفظ معاشرت و ارتباطات خانوادگی با سایر خانواده‌های شیعی نبودند،<sup>۲</sup> اما این میراث و سنت گران‌بها و کهن را تا حدودی حفظ کرده‌اند و گردهمایی‌های هفتگی یا ماهیانه برگزار می‌کنند و به دید و بازدید می‌پردازند.

شاید این مسئله به نوبه خود و در وهله نخست، قابل توجه به نظر نرسد، اما با

americans/

1. Ibid.

۲. و این نیست، مگر اینکه به لحاظ شرایط شغلی پدر یا مادر خانواده، شرایط تحصیلی فرزندان و احیاناً فاصله زیادی که میان مناطق مختلف سکونت وجود دارد، شیعیان قادر نیستند که مطابق میل خود، به معاشرت و تعامل خانوادگی بپردازند.

اندکی تأمل درمی‌یابیم که همین روابط باعث می‌شود تا:

اولاً: نظام هویتی شیعیان دوام و ثبات بیشتری داشته باشد؛

ثانیاً: شبکه‌سازی شیعیان به خوبی گسترده‌گی خود را رونق داده و انسجام ببخشد؛

ثالثاً: کمتر در جامعه بزرگ و پیرامون خود منحل شوند.

این پدیده مبارک، نتایج فراتر از انتظاری را به دنبال دارد که در هر یک از گروه‌های شیعی مانند خوجه‌ها، ایرانی‌ها، لبنانی‌ها یا عراقی و افغانی‌ها به صورت مجزا قابل رصد و پیگیری است. برای مثال، میان همه گروه‌های شیعی، نوع سازمان‌دهی و ساختارگرایی خوجه‌های هندی زبازند است. این گروه شیعی که سال‌ها در شرق آفریقا سکنی گزیدند، توانستند جایگاه شیعه را در میان آفریقایی‌ها رواج دهند و سلسله مراکز «بلال»<sup>۱</sup> را برای آنها تأسیس کنند. جالب توجه است که همین گروه، فرزندان خود را برای تحصیل در مراکز و دانشگاه‌های برتر دنیا، راهی کشورهای نظیر انگلستان، آمریکا و در نهایت کانادا کردند. همین مسئله باعث شد تا رفته‌رفته جمعیت زیادی به کشورهای جدید رهسپار شوند.

مهاجرت فرآیند دشواری را در پی دارد و آسیب‌های زیادی را برای مهاجر ایجاد می‌کند که از جمله از دست دادن محیط پیرامونی که سال‌ها فرد یا خانواده مورد نظر خود گرفته است، قابل اشاره خواهد بود. این معضل در میان خوجه‌ها اگرچه تا حدودی بروز داشت، اما آنها این ظرفیت را داشتند تا همان ساختار و شبکه‌گرایی را در آمریکا نیز از نورا اندازی کنند و به سرعت شبکه جدیدی را در این کشور، ذیل مجموعه اصلی اضافه کنند.

سؤال این است که آنها چگونه توانستند که به چنین موفقیتی دست یابند و انسجام اجتماعی خود را حفظ کنند؟ به نظر می‌رسد که یکی از عامل‌های سودمند در دستیابی به چنین موفقیتی، «درون‌گرایی» و «معاشرت خانوادگی» آنها با یکدیگر

باشد. در واقع، خوجه‌ها عادت دارند که به محض ورود به کشور جدید، حسینیه و مسجدی تأسیس کنند که علاوه بر پشتیبانی از مراسم مذهبی-دینی، محفلی برای جمع شدن در کنار یکدیگر، غذاخوردن و والیبال بازی کردن باشد.

همین مسئله را می‌توان میان ایرانی‌ها و ایجاد شبکه قرائت قرآن در آمریکای شمالی جستجو کرد. داستان از این قرار است که ایرانی‌ها در کشور غریب به دنبال هم‌زبان می‌گردند؛ خانواده‌ای که بتوانند با آنها فارسی صحبت کنند و به اصطلاح خود، عقده‌گشایی کرده و آداب، رسوم و فرهنگ ایرانی را تجدید خاطر کنند.

این گرایش عمومی باعث شد تا در حدود دو یا سه دهه پیش، ایرانی‌ها به برگزاری جلسات قرآن به صورت ماهیانه مبادرت بورزند. این جلسات قرآن تا حدی موفق عمل کرد که حتی خانواده‌هایی که رابطه خوبی با دین‌داری نداشتند، به دلیل شرکت در جمع ایرانی‌ها، ورود جدی داشته باشند و آثار قرائت قرآن را در زندگی خود مشاهده کنند.

اشکال دیگری از ارتباطات خانوادگی و میل به برقراری ارتباط با سایر شیعیان در میان افغانی‌ها، لبنانی‌ها و عراقی‌ها نیز قابل رصد خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

برآیند و مجموع پنج مزیتی که در میان مسلمانان به‌طورکلی و شیعیان به‌طور خاص وجود دارد، این امکان را برای این اقلیت دینی فراهم می‌آورد تا پرچم تعامل را برافراشته و توجه افکار عمومی در آمریکا را به سمت خود جلب کند؛ چنان‌که تا به حال نیز تا حدودی و در سطح افراد نخبه موفق به انجام آن شده است.

شیعیان اقلیتی را تشکیل داده‌اند که نیروی جوانی از جمله برتری‌های آن است؛ جوانانی که تلاش‌گرانه در مسیر موفقیت و دستیابی به مدارج بالای علمی در رشته‌های مختلف دانشگاهی در تکاپو هستند. جوانی به‌نوبه خود، ظرفیت‌های فراوانی را برای یک مجموعه به ارمغان می‌آورد؛ چرا که «نظریه تعامل» نیازمند قابلیت‌هایی برای به اجرا درآمدن است. برای مثال، یک جوان از «انعطاف‌پذیری» بیشتری برخوردار است و توان بهتری برای درک شرایط محیطی و پیرامونی خود دارد.

جوانان شیعی نیز به‌خاطر انعطافی که در چارچوب دینی از خود نشان می‌دهند، توانستند با همسالان خود ارتباط خوبی برقرار کنند؛ بدون اینکه این‌گرایش به ولنگاری تبدیل شود. در واقع می‌توان یک نمای چهارگانه را به تصویر کشید که میان ادغام، ولنگاری، تعامل و انعطاف معین برقرار است:



همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، جامعه‌پذیری نوع اول یک پدیده منفی و به‌عنوان یک آسیب اجتماعی برای اقلیت‌های شیعی در آمریکا به شمار می‌رود؛ چرا که برخاسته از ولنگاری دینی در میان اعضای این اقلیت دینی است. در سوی مقابل، تعامل از جمله بایسته‌های هنجاری است که به دلیل فهم درست از چیستی تعامل به دست می‌آید.

درعین‌حال، تفکیک خط و مرز میان «تعامل» و «جامعه‌پذیری نوع اول» کار دشواری است و تعریف مفهومی، تعیین مصادیق و تشخیص بایدها و نبایدها به راحتی به دست نمی‌آید؛ به دلیل اینکه این مسئله نیازمند قابلیت اجتهاد در چارچوب دینی است و اینکه کدام‌یک از مبانی فقهی، اخلاقی و عقیدتی در اسلام قابل تغییر و اغماض یا ثابت و فرامکانی و فرازمانی هستند.

در این نوشتار به فرآیندی «تعامل» اطلاق می‌شود که هر اقلیت در عین حفظ هویت، چیستی و مقومات دینی، فرهنگی و اجتماعی خود، بتواند تا حد امکان، خود را با سیاست‌های کلان محیط جدید سازگار کند. ممکن است برخی نام چنین فرآیندی را «هم‌گرایی» بگذارند؛ اما آنچه مهم است، تمایزنگاری میان این فرآیند (فارغ از هر نامی) با فرآیند جامعه‌پذیری نوع اول است که طی آن گروه‌های کوچک‌تر ماهیت خود را از دست داده و در گروه بزرگ‌تر منحل می‌شوند و به بخشی از آن تبدیل می‌گردند.

به‌هرحال، قدرت انطباق‌پذیری و انعطاف جوانان در چارچوب و منطق دینی درست، در مقایسه با میان‌سالان و سالخوردگان، به مراتب بیشتر است و این مسئله باعث پویایی هرچه بیشتر آن جمعیت، گروه یا اقلیت خاص می‌گردد که برای شیعیان نیز مزیت رقابتی مهمی به ارمغان خواهد آورد.

بنابراین، متخصصان راهبردی شیعه، با جامعه‌ای زنده و نه مرده مواجه هستند که در نرخ رشد جمعیت و باروری نیز پیشتازند. آنها همچنین در مسیر آموزشی و پژوهشی نیز موفق عمل کرده‌اند و به پیشرفت‌های خوبی دست یافته‌اند.

### فهرست منابع

1. Elkholly, Abdo A. "The Arab Moslems in the United States: Religion and Assimilation", New Haven: College and University Press, 1966.
2. Haddad, Yvonne Y, "Becoming American: "The forging of Arab and Muslim Identity in Pluralist America", Baylor University Press, 2011.
3. John, Morgan, "Islam and Assimilation in the West: Religious and Cultural Ingredients in American Muslim Experience", in "Journal of Religion and Society", Vol 16, 2014.
4. Samuel P. Huntington, "Who are we? The Challenges to America's National Identity", Simon and Schuster, 2005.
5. Talcott Parsons and Robert F. Bales, "Family, Socialization and Interaction process", Free Press, 1995.
6. [www.newworldencyclopedia.org/entry/Harvard\\_University](http://www.newworldencyclopedia.org/entry/Harvard_University).
7. [www.pewforum.org/2019/10/03/religion-in-the-public-schools-2019-update/](http://www.pewforum.org/2019/10/03/religion-in-the-public-schools-2019-update/)
8. [www.en.wikipedia.org/wiki/Adolescent\\_sexuality\\_in\\_the\\_United\\_States](http://www.en.wikipedia.org/wiki/Adolescent_sexuality_in_the_United_States).
9. [www.pewresearch.org/fact-tank/2020/08/20/key-findings-about-u-s-immigrants](http://www.pewresearch.org/fact-tank/2020/08/20/key-findings-about-u-s-immigrants).
10. [www.pewresearch.org/fact-tank/2017/08/09/muslims-and-islam-key-findings-in-the-u-s-and-around-the-world/](http://www.pewresearch.org/fact-tank/2017/08/09/muslims-and-islam-key-findings-in-the-u-s-and-around-the-world/)
11. [www.pewforum.org/2017/07/26/findings-from-pew-research-centers-2017-survey-of-us-muslims](http://www.pewforum.org/2017/07/26/findings-from-pew-research-centers-2017-survey-of-us-muslims).
12. [www.pewforum.org/2017/07/26/demographic-portrait-of-muslim-americans](http://www.pewforum.org/2017/07/26/demographic-portrait-of-muslim-americans).